

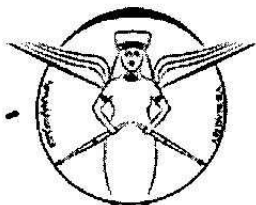
اسطوره و عرفان

(مجموعه مقالات)

نویسنده: کورش گودرزی

دکتر سید محسن حسینی مؤخر (راهنما)

دکتر محمدرضا روبره (شارح)



سرشناسه	:	گودرزی، کورش، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اسطوره و عرفان / نویسندگان گوروش گودرزی، سیدمحسن حسینی موخر، محمدرضا روزبه؛ [با همکاری] دانشگاه لرستان.
مشخصات نشر	:	بروجرد: اردوی سوره، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۲۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۴۱۹-۴۱-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	عرفان -- مقاله ها و خطابه ها
موضوع	:	Mysticism -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزودن	:	حسینی موخر، سیدمحسن، ۱۳۵۲ -
شناسه افزودن	:	روزبه، محمدرضا، ۱۳۴۲ -
شناسه افزودن	:	دانشگاه لرستان
رابطه بندی کنگره	:	BP۲۷۴/۶
رده بندی دیوید	:	۲۹۷/۸۰۸
شماره کتابخانه ملی	:	۵۹۲۱۷۶۳

انتشارات آردوی سوره

لرستان، بروجرد، خیابان بهار، پلاک ۱۵، استان لرستان، طبقه دوم

تلفن: ۰۶۶-۴۲۵۳۸۲۵۲ - تلفن: ۰۶۶-۴۲۵۳۸۲۵۲

وبسایت: www.aredvisura.ir - پست الکترونیکی: aredvisura@gmail.com

اسطوره و عرفان (مجموعه مقالات)

نویسنده: گوروش گودرزی، دکتر سید محسن حسینی مؤخر، دکتر محمدرضا روزبه (مشاور)

رده بندی نشر آردوی سوره: ادبیات

امور گرافیکی: مرتضی گودرزی

صفحه آرا: آیدین علی بیگی

چاپ و صحافی: گاندی

ناظر فنی چاپ: زهره چگنی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۴۱۹-۴۱-۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۹	بررسی و تحلیل کیفیت روشاک در آیین‌های اساطیری و عرفانی
۳۵	بررسی و تحلیل تجلی زمان و مکان مفاس اساطیر در عرفان
۵۷	تجلی رقص‌های اساطیری در سماع عرفانی
۷۵	بررسی و تحلیل کیفیت مراحل گذر و سلوک و تشرف در اسطوره و عرفان
۸۷	بررسی و تحلیل مبحث رؤیت و مشاهده و متاشفه در اساطیر و عرفان
۱۰۵	کارکردهای مشترک خوردنی و نوشیدنی‌های مقدس عبادان در اساطیری
۱۲۷	رموز اسطوره‌ای اعداد در عرفان

اسطوره، نوعی از انسان‌های آغازین به جهان هستی است و بالطبع این نگرش به واسطه دربرده‌های دینی و اجتماعی خاصی که داشته، با آیین‌ها و مناسکی نیز همراه بوده است. آیین‌ها مانند بسیاری موارد دیگر مربوط به انسان‌های پیشین، یا به همان شش یا به شدت دگرگون شده به دوران جدید رسیده‌اند و یا از میان رفته‌اند. یکی از مقوله‌های مهمی که می‌توان رد پای آیین‌ها و مناسک اسطوره‌ای را در آن پیگیری و بررسی کرد، عرفان است. عرفان نیز مانند اسطوره، نوعی نگرش رازناک به جهان هستی است که به مرور زمان با آداب و مناسک خاصی نیز همراه شده است. بین برخی آیین‌های اساطیری با بعضی مناسک عرفانی، گاهی شباهت‌هایی فراوان و شگفت به چشم می‌خورد که قابل تأمل و پیگیری است.

شناخت یکی دیگر از ابعاد گوناگون عرفان ایرانی - اسلامی و ترتیبین درست رابطه عرفان و اسطوره و نیز شناسایی جلوه‌ای از آیین‌های اسطوره‌ای در نثر عرفانی فارسی از مهم‌ترین اهداف این تحقیقات است. گذشته از این به واسطه ارتباط عمیق عرفان و اسطوره، درک معنای درست عبارات، زمانی امکان پذیر است که پیوندهای بینامتنی عرفان و اسطوره برقرار و آشکار شده باشد. از این رو به منظور شناخت ریشه‌ای عرفان اسلامی - ایرانی، اجرای اینگونه پژوهش‌ها ضروری می‌نماید. نیاز است در همین ابتدا به نکته مهمی اشاره کنیم که هدف

ما به هیچ وجه این نیست که عرفان را شاخه‌ای برگرفته از اسطوره یا به طور کلی متأثر از آن بدانیم. می‌خواهیم با توجه به ضمیر ناخودآگاه جمعی و مشترک بین ملل گوناگون، به ردّ پاهای اشتراکات محسوس و نامحسوس میان این دو مقوله با دلایل و شواهد اشاره نماییم. اشتراکاتی که نه تنها در اسطوره و عرفان، در مینه‌های دیگر حیات بشری نیز قابل مشاهده است.

پیش از این نیز اندیشمندان به شناخت اسطوره و پیگیری تجلی‌های آن در مة‌له‌های انند دین و ادبیات و جامعه‌شناسی پرداخته‌اند. کسانی همچون میرچا لیاده، گانه، کربن، فریزر، جلال ستاری به ترتیب در آثاری مانند: رساله در تاریخ ادیان، سر، نرانی در تصوف ایرانی، شاخه زین، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، هر یک به نوعی در مورد نقش و جای پای اساطیر در ابعاد مختلف به بحث و بررسی پرداخته‌اند. اما نزدین راستا نخست به مفاهیمی از اسطوره و آیین و عرفان و رابطه آنان اشاره می‌کنند و سپس به ذکر مقالات می‌پردازیم.

تعاریف (اسطوره، آیین، عرفان)

نظریه‌ها درباره اسطوره فراوان است. در مورد اسطوره و چیستی آن بسیار گفته و نوشته شده است و هنوز هم ادامه دارد. با وجود این نمی‌توان اسطوره را در یک عبارت یا تعریف گنجاند. فراوانی تعاریف و نظرات، به یادداشت و چه منفی، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. اسطوره مرز تخیل و واقعیت است، گرچه برای زمان خود واقعیت بوده است، برای ما نه واقعیت صرف است و نه تخیل محض، اشتراک و تعادلی زیباست میان این دو. اشتراکی که از دل واقعیت و تخیل نشأت گرفت و متجلی کننده حسی جهانی شد.

«هرچند اسطوره‌ها در جزئیات بسیار متفاوتند، اما هر چه بیشتر موشکافی کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که ساختارشان بسیار شبیه یکدیگر است و گر

چه توسط گروه‌ها یا افرادی که هیچ گونه رابطه مستقیم فرهنگی با یکدیگر نداشته‌اند، آفریده شده‌اند، اما همگی الگویی جهانی و مشابه دارند». (یونگ و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶۲) «اسطوره از ناخودآگاه یک ملت سرچشمه می‌گیرد و در طی قرون متمادی ساخته می‌شود و زیستگاهش را در میان جمع و در بستر تاریخ بنا می‌کند و خالق حادثه‌ای می‌شود که اثرش در فرهنگ و ادب قوم، همیشه ماندگار است». (زاویه و مافی تبار، ۱۳۹۲: ۲)

آنچه از این تعاریف دستگیر می‌شود، حکایت از ارزش و اهمیت زیربنایی اساطیر در دوران کنونی دارد. اساطیر، چه برای ما امری موهوم باشند و چه واقعی، مهم‌ترین پایه اندیشه انسان نخستین هستند. «همه این نظرات دارای پایه‌ای مشترکند، بدین معنی که همه می‌کوشند تا تکوین اساطیر را کشف یا دوباره حکایت کنند، ولی این کاری سستنی است. ما هرگز به سرآغاز دست نخواهیم یافت، تنها می‌توانیم بدایت امر را تصوّف کنیم». (باستید، ۱۳۷۰: ۳۹ و ۴۰)

«آیین‌ها معلول ترس و امید انسان‌هاست و انسان از هر چیزی که می‌ترسیدند و یا به خیر هر چیزی که امیدوار می‌شدند، آن را می‌پرستیدند... راسل و پیروان او بر همین عقیده‌اند... به نظر انگلس، آیین‌ها به علت جدایی انسان‌ها ناشی از کوتاهی فکر و عقل و علم بشر بوده است... به نظر کمونیست‌ها و نریالیست‌ها، آیین‌ها معلول اقتصاد و عوامل اقتصادی هستند و فقر و نیاز مردم سبب پیدایش آیین‌ها شده است... عقیده منکرین و ملحدین هم بر این است که آیین‌ها را حس عدالت خواهی انسان‌ها ساخته و پرداخته است». (معصومی، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۴)

«آیین، اسطوره‌ای است بالفعل». (الیاده، ۱۳۷۲: ۷)

موارد ذکر شده، ماهیت آیین‌های اسطوره‌ای را به ما نشان می‌دهد، اما این آیین‌ها با توجه به شواهد، هنوز هم به شکل‌های دیگر تجلی می‌کنند. شاید یکی از

زیباترین این تجلی‌ها را در مقوله عرفان مشاهده کنیم که آگاهانه یا ناخودآگاه در متون عرفانی مورد بحث ما متجلی شده‌اند. یکی از زیباترین سخنان در این زمینه از عزالدین کاشانی است که می‌گوید: «مراد از استحسان، استحباب امری و اختیار رسمی است که متصوفه آن را به اجتهاد خود وضع کرده‌اند از جهت صلاح حال و بان بی آن که دلیلی واضح و برهانی لایح از سنت بر آن شاهد بود؛ مانند لباس خنجر و بنای خانقاه و اجتماع از بهر سماع و نشستن در چهلّه و غیر آن؛ هر چند آن اختیار مستشّر تمسّک به سنتی خالی نبود». (عزالدین کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

اهمّیت مقوله عرفان نیز همچون اسطوره و آیین باعث شده است که برای آن و علل پیدایش هدف تعاریف و نظرات گوناگون عرضه شود. بالطبع در هر موردی که با نظرات مختلف مواجهیم، شاهد تضاد هم هستیم، اما از جمع بندی همین اضداد می‌توان کلماتی در تعریف عرفان دست یافت. تعاریف متعدّدی که از تصوّف شده است، تعاریف نظریاتی در این زمینه در نهایت به یک هدف و مقصد ختم می‌شوند. مزم به ذکر است که در این مجموعه، همه جا عرفان و تصوّف را در یک معنا به کار برده‌ایم.

«اگر درست به حقیقت تصوّف آشنا شویم، در می‌یابیم که سخنان مشایخ هر چند به ظاهر مختلف می‌نماید، در واقع نزدیک به یکدیگر و همگی مربوط به یک معنی و حقیقت است، اما اختلاف در تعبیرات از اختلاف در اعمال و مقامات و مراتب و درجات گوینده حکایت می‌کند و هرکسی از منزل خویش نشانی می‌دهد و از مقام و پایه‌ای که در آن واقع است، عبارت می‌آورد. ثانیاً سیر و سلوک روحانی را از درجه انقطاع و طلب تا مقام فنای فی الله، مراتب و مقامات و درجات و احوال و اوقات گوناگون است و سالک در هر مرحله حال و مقامی خاص دارد ... ثالثاً تصوّف از نظر فنی و علمی، جهات و جنبه‌های مختلف دارد و ممکن

است نظربه هر جنبه‌ای تعریفی از تصوّف کرد و در حال باید دانست که در امثال این گونه تعاریفات، تعریف ذاتی و جامع و مانع منطقی توقّع نباید داشت، بلکه این گونه تعاریفات به اصطلاح علمای منطق، تعاریفات لفظی و مفاهیم عرفی است... ابو حفص نیشابوری، تصوّف را از جنبه آداب رعایت کرده... نصرآبادی، جنبه بیعت صوفی را از آداب و احکام شریعت در نظر گرفته... ابوسعید اعرابی، تصوّف را از نظر پیراستگی از فضول و زواید ملاحظه کرده... و همچنین هر یک از مشایخ، یک تعریف یا چند تعریف، هر کدام را به جهتی و نظری از تصوّف آورده‌اند... شیخ ابوالدین سهروردی در کتاب عوارف المعارف می‌نویسد: ... اقوال مشایخ در مباحث تصوّف از هزار متجاوز است، اما الفاظ، مختلف و معانی، نزدیک به یکدیگر است». (سجّی، ۱۳۷: ۲۴۵-۲۴۳)

عرفان، شناخت حقیقت موریایی، جانشی است برای رسیدن به این حقیقت. چون این حقیقت، چیزی برای جسم و عقل مادی است، پس راه شناخت و رسیدن به آن نیز روحانی و منکوتی است. «عرفان، طریقه معرفت در نزد آن دسته از صاحب نظران است که برخلاف اهل برهان در کشف حقیقت بر ذوق و اشراق، بیشتر اعتماد دارند تا بر عقل و استدلال». «روایع عرفان، معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف ناپذیر که در آن حاکم بر انسان، این احساس پیش می‌آید که ارتباطی مستقیم و بی واسطه با و رب مطلق یافته است». (زرّین کوب، ۱۳۶۲: ۹ و ۱۰)

آیین‌های اساطیری در بسیاری از جنبه‌های زندگی بشر، تأثیر خود را به جا گذاشته‌اند. انسان، خواسته‌ها و آرزوها و افکار خود را در هر زمان و هر جای جهان گاهی به شکل اساطیری و گاه با شیوه‌ای دیگر به منصه ظهور رسانده است. آنچه برای ما اهمیّت دارد، نشان دادن رابطه اسطوره و عرفان است. شاید مهم‌ترین

حلقه پیوند این دو مقوله، رازناکی است. همچنین وجود غریزه ناخودآگاه جمعی می‌تواند دلیل محکمی برای اثبات این ارتباط باشد.

«نیروه‌های پرتوان ناخودآگاه نه تنها در تجربه‌های بالینی، بل در علم اسطوره‌شناسی، هنر و امثالهم و تمامی فعالیت‌های فرهنگی که انسان به لطف آنها اکنون ضمیر خود را بیان می‌کند، تجلی می‌یابند». (یونگ و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۰) اکثر محققین در زمینه‌های گوناگون فعالیت بشری به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از اندیشه‌های بشری در زمان و مکان‌های مختلف با هم آشکارا و پنهان را است دارند. اندیشه‌ها و آیین‌های اسطوره‌ای و عرفانی هم از این دستند. عام بودن اسطوره عرفانی همچنین اشتراکات این دو مقوله مورد تأیید اکثر محققین است. رابطهٔ نمادین اساطیری و عرفانی و پیوند میان این دو مقوله بسیار کهن و عمیق است.

«در نگاه نخست به نظر می‌رسد که اسطوره و عرفان دو مقوله متفاوت در حیطهٔ علوم انسانی هستند؛ در حالی که... این دو نه تنها جدا از هم نیستند، بلکه می‌توان گفت عرفان دنباله و تکملهٔ اساطیر خدایان است... آیین‌ها و ادیان اساطیری، مبلغان نزول خدایان به سوی انسان و دید آمدن گروهی خدایان انسان‌وار است؛ در حالی که ادیان و آیین‌های عربی، پس‌کنندهٔ چگونگی صعود و معراج انسان‌های کامل به ملکوت خداوندی و در نهایت، پیدایش گروهی انسان‌های خداگونه هستند». (مظفری، ۱۳۸۸: ۱۴۹) «اساطیر پیدایش اساطیر خدایان و عرفان یکی است؛ یعنی تقلاً برای نزدیک ساختن انسان و خدا یا خدایان؛ با این تفاوت که اساطیر، خدا را به سوی انسان می‌کشاند، اما عرفان انسان را به سوی خدا». (همان، ۱۶۲) می‌بینیم که این دو مقوله به ظاهر متفاوت، دارای چه وجه اشتراک عمیق و ناخودآگاهی هستند. دید موشکافانه

انسان متفکر با تأمل متوجه این ارتباط زیبا و پنهان می‌شود. شاید بتوان اسطوره را اندیشه‌ای دانست که عرفان، یکی از زبان‌های آن است.

در پایان لازم به ذکر است که در این مقالات مراد از آیین‌ها، دین الهی به ویژه اسلام، که برگرفته از وحی و دستورات الهی است، نیست. دین اسلام تأثیری از اسامی و نخیلات بشری نگرفته است. اینجا منظور، آیین‌های خودساخته و اسطوره‌ای بیش است.

www.ketaboo.ir